

الاول: المضاف الیه (مرجع ال موصولہ است: الذی یضاف الیه) و هو ما تُسب الیه شیءٌ بواسطه حرفٍ جرٍّ مقدرٍ مراداً و تمتنع اضافه المضمرات و اسماء الاشاره و اسماء الاستفهام و اسماء الشرط و الموصولات سوى ائى فى الثلاثه و بعض الاسماء یجب اضافتها اما الى الجمل و هو «اذ» و حیث و اذا او الى المفرد ظاهراً او مضمرًا و هو كلا و كلتا و عند و لدى و سوى او ظاهراً فقط و هو اولوا و ذو و فروعها او مضمرًا فقط و هو وحده و لبيك و أخواته (۲)

تكمیل: یجب تجرُّد المضاف عن التنوين و نونى المثنى و الجمع و ملحقاتها (عطف به مثنى و جمع) فان كانت اضافه (خبر كان) صفة الى معمولها فلفظیه (بعد از فاء، الاضافه محذوف است) و لا تفید (مرجع ضمیرش اضافه لفظیه) الا تخفیفاً و الا (تقدير: و ان لم تكن الاضافه اضافه صفة الى معمولها) فمعنویه و تفید تعریفاً مع المعرفه و تخصیصاً مع النكره و المضاف الیه فیها (مرجع ها: اضافه معنویه) ان كان جنساً للمضاف فهى (مرجع هى: اضافه معنویه) بمعنی «من» او ظرفاً له فبمعنی «فی» او غیرهما (مرجع هما: ظرف و جنس) فبمعنی «اللام»

و قد یکتسب المضاف المذکر من المضاف الیه المؤنثِ تانیته و بالعکس بشرط جواز الاستغناء عنه (مضاف) بالمضاف الیه کقوله كما شرقت صدرُ القناه من الدم و قوله اثاره العقل مکسوف بطوع هوى و من ثم امتنع قامت غلام هند.

ترجمه: مضاف الیه، و آن عبارت است از اینکه، به آن چیزی را به واسطه حرف جرّی که مقدر است ولى مقصود است، نسبت دهند. و از بین کلمات، اضافه شدن ضمایر، اسماء اشاره، اسماء استفهام، اسماء شرط و موصولات به استثناء ای در سه مورد آخر، ممتنع است.

و بعضی از اسماء اضافه شدنشان واجب است و آنها بر دو گونه اند:

۱. یا باید به جمله اضافه شوند مانند کلمات اذ، حیث، اذا

۲. یا به مفرد؛ که به سه دسته تقسیم میشود:

(أ) آنکه هم به اسم ظاهر و هم به ضمیر اضافه میشود همچون کلمات کلا،

کلتا، عند، لدی، سوی

(ب) آنکه تنها به اسم ظاهر اضافه می‌گردد مانند اولوا، ذو، فروعات این دو.

تکمیل:

واجب است مضاف از تنوین و دو نون تشبیه و جمع و ملحقات این دو خالی و برهنه باشد پس اضافه اگر از قبیل اضافه وصف به معمولش باشد به آن لفظیه گفته و غیر از تخفیف در لفظ افاده امر دیگری نمیکند. و در غیر این صورت اضافه معنویه بوده و علاوه بر افاده تخفیف در لفظ، مضاف در صورتیکه مضاف به معرفه باشد از آن تعریف، و به فرض اینکه مضاف الیه نکره باشد تخصیص را از آن کسب و استفاده مینماید.

(۲) شیخ در این مثال، مضاف الیه را ذکر کرده که نظر خود را بگوید که فقط به اینها اضافه میشود.

اسماء ممتنع الاضافة:

۱. ضمائر

۲. اسماء اشاره

۳. اسماء استفهام

۴. اسماء شرط

۵. موصولات

توجه: استثناء از موارد ۳ و ۴ و ۵، لفظ «أی» است.

اسماء واجب الاضافة:

۱. واجب الاضافة الى الجملة

(۱) اذا: اذا جاء زيدٌ جئتُ

(۲) حیث: ضربتک حیثُ جاءَ زيدٌ (میزنم تو را هنگامی که زید آمد)

۳) اذ: ضربتک اذ کنتَ غیر مؤدب (میزنمت برای اینکه بی ادبی)

۲. واجب الاضافه الی المفرد

۱) هم اسم ظاهر و هم ضمیر:

۱) کلا

۲) کلنا

۳) عند

۴) لدا

۵) سوا

۲) فقط اسم ظاهر

۱) أولو و فرعش (اولات که جمع مؤنث است)

۲) ذو و فروعش (ذوا (مثنی مذکر) ذوا (جمع مذکر) ذات (مفرد

مؤنث) ذواتا (مثنی مؤنث) دوات (جمع مؤنث)

سؤال: این کدام نوع ذو است؟ ذو اسماء سته؟ ذو اسماء

اشاره و ذو اسماء موصول. پاسخ: ذو اسماء سته میتواند

باشد و ذو اسم موصول قبيله ابن تمیم هم میتواند باشد.

۳) فقط ضمیر

۱) وحده (فقط به ضمیر مفرد غایب اضافه میشود علی المشهور)

۲) لیبیک (فقط به کاف اضافه میشود) و اخواتش (هنانیک، دوالیک،

سعدیک، حذذیک، هجاجیک)

جلسه ۳۸. ۱۸:۱۲:۹۳

قاعده: گاهی اوقات ...

۱. مضاف مؤنث از مضاف الیه مذکر کسب تذکیر میکند

۲. مضاف مذکر از مضاف الیه مؤنث کسب تأنیث میکند

شرط هر دو این است که : با حذف مضاف، معنای کلام تغییر نکند.

■ مثال: اناره (مبتدا) العقل (مضاف الیه) مکسوف (خبر و نائب فاعلش هو مستتر که مرجعش اناره است) بطوع هوی (مضاف الیه) (نورانیت عقل از بین می‌رود به سبب تبعیت از هوا و هوس)
طبق قاعده تطابق خبر مشتق باید مکسوفه باشد و در این حالت اناره از مضاف الیه اش که العقل است کسب تذکیر کرده است و خبرش هم مذکر آمده است.

شرط: اگر اناره را حذف کنیم تفاوتی ایجاد نمیشود زیرا در حالت حذف، حذف نورانیت را به خود عقل نسبت میدهیم.

■ مثال: شَرِقَتْ صدرُ القنَاءِ من الدم (میدرخشد سر نیزه به خاطر خونی که نیزه به آن آلوده شده است)

شاهد در صدر است که باید تطابق با شَرِقَتْ داشته باشد و بنابراین صدر مؤنث باشد اما مذکر است و علت آن این است که صدر از همین قاعده از القنَاءِ که مضاف الیه اش است کسب تأنیث کرده و فعلش مؤنث می‌آید.

کنترل شرط: چه بگوییم که نیزه می‌درخشد به خاطر خون و چه بگوییم خود نیزه می‌درخشد بنابراین حذف مضاف تغییری در معنا ایجاد نمیشود و میتواند کسب تأنیث کند.

■ به خلاف: قامت غلامُ هندُ این غلط است زیرا اگر مضاف حذف شود معنای کلام تغییر میکند.